

## بررسی موانع شکل‌گیری نظام پارلمانی در جمهوری اسلامی ایران

علی شیاری<sup>۱</sup>

محمد حسین فرهنگي<sup>۲</sup>

### چکیده

نظام‌های سیاسی ریاستی و پارلمانی و نیمه ریاستی ریشه در حق حاکمیت ملت و اراده عمومی جامعه داشته و از طریق تعادل قوا و مهار قدرت توسط قدرت بدنبال جلوگیری از تمرکز قدرت می‌باشد. هرچند تمام این نظام‌ها مبتنی بر اراده ملت از طریق انتخابات می‌باشند اما در روش و ابزار تفاوت‌هایی با هم دارند. این تحقیق با روش توصیفی-تحلیلی درصدد پاسخ به این سؤال می‌باشد که آیا امکان تحقق نظام پارلمانی در جمهوری اسلامی ایران وجود دارد. یافته‌های تحقیق بر آن است که تحقق آن با موانع ماهیتی و شکلی مواجه است. تفاوت ماهیتی آن به نظام سیاسی ایران که مبتنی بر آموزه‌های دینی است با نظام‌های سیاسی غرب که مبتنی بر نگرش اومانیستی است برمی‌گردد و از طرف دیگر مشکل شکلی آن به مواردی چون فرهنگ سیاسی لازم، احزاب سیاسی قدرتمند، نظام انتخابات متناسب و موانع ساختاری در قانون اساسی برمیگردد فلذا امکان تحقق نظام پارلمانی در ایران وجود ندارد.

۱ استادیار دانشگاه تبریز، دکترای مدرسی معارف اسلامی گرایش انقلاب (نویسنده مسئول) دانشگاه تبریز، دانشکده الهیات، گروه معارف اسلامی  
a.shiyari@tabrizu.ac.ir

۲ استادیار دانشگاه آزاد اسلامی تبریز، دکتری فقه و حقوق اسلامی دانشگاه آزاد اسلامی تبریز، دانشکده حقوق و الهیات، گروه حقوق،  
dr.farhangi@yahoo.com  
تاریخ دریافت: ۹۷/۱۱/۲۰ تاریخ پذیرش: ۹۸/۹/۱۵

## واژگان کلیدی

نظام پارلمانی، تفکیک قوا، انتخابات، احزاب سیاسی، فرهنگ سیاسی

## مقدمه

پس از دوران حاکمیت کلیسا و پیدایش نهضت رنسانس، اندیشمندی در غرب علت عقب ماندگی و خفقان موجود در آن را تمرکز قدرت در اختیار شخص یا نهاد خاص دانستند و برای جلوگیری از تکرار استبداد پیشنهاد پخش قدرت در بین عموم مردم را ارائه نمودند. این افراد که به اندیشمندان قرارداد اجتماعی معروف شدند حق حاکمیت را در اختیار ملت قرار دادند و با طرح نظریاتی چون اراده عمومی، تفکیک قوا و ... سعی در تئوریزه کردن حاکمیت ملی کردند.

نظام‌های ریاستی، پارلمانی و نیمه ریاستی نیمه پارلمانی گونه‌های مختلفی از نظام‌های سیاسی است که ریشه در حق حاکمیت ملت دارد. شالوده تمام این نظام‌ها مبتنی بر خواست و اراده مردم می‌باشد که از طریق انتخابات به طور مستقیم یا غیر مستقیم صورت می‌گیرد. تفاوت این نظام‌ها صرفاً در روش‌ها و ابزارهای اعمال قدرت توسط مردم می‌باشد و هر کدام با توجه به شرایط متفاوت نظام‌های سیاسی سعی در استفاده از شیوه‌های خاص حکومتی برای جلوگیری از تمرکز قدرت می‌باشند آنچه مهم و حیاتی است اشتراک در هدف این نظام‌هاست. تمام این نظام‌ها به دنبال مهار قدرت توسط قدرت بوده و از طریق تعادل و توازن قوا سعی در کنترل دیگر بازیگران سیاسی دارند.

این مقاله تلاش دارد ضمن بررسی نظام‌های ریاستی، پارلمانی و نیمه ریاستی نیمه پارلمانی، نقاط قوت و ضعف هر کدام از آنها، موانع تبدیل نظام ایران به پارلمانی را مورد تحلیل و بررسی قرار دهد.

## نظام ریاستی

مبنا و اساس نظام‌های ریاستی مبتنی بر تفکیک مطلق قوا می‌باشد به نحوی که هیچ کدام از قوای سه گانه حق دخالت در کار قوه دیگر را نداشته باشند (قاسم زاده، ۱۳۳۴، ۱۳۲) مصداق بارز چنین نظامی، ایالات متحده آمریکا می‌باشد. در این نظام سعی بر آن بوده که با پخش قدرت در سطح مردم مانع تمرکز قدرت شوند لذا تمام نهادها قدرت خود را از مردم می‌گیرند مثل ریاست جمهوری، مجلس نمایندگان، مجلس سنا، مجلس ایالتی، فرماندار ایالتی، انجمن شهر و شهردار و ...

هرچند برخی بر این باورند که در عمل هیچ نظامی که مبتنی بر تفکیک مطلق قوا باشد وجود نداشته و ندارد چرا که در عمل اختیاراتی که قوای سه‌گانه دارند حق دخالت را به طور غیر مستقیم به قوای سه‌گانه داده شده است به طور مثال حق وتو رئیس‌جمهور که مصوبات را به حالت تعلیق در می‌آورد و ... با این وجود در نظام ریاستی، ریاست کشور و ریاست دولت در اختیار رئیس‌جمهوری است که از طریق آرای مردم انتخاب می‌گردد.

از این رو اختیارات رئیس‌جمهور فوق‌العاده زیاد می‌باشد که از جمله مهمترین اختیارات وی حق وتو یا تعلیق مصوبات مجلس و فرماندهی نیروهای مسلح می‌باشد رئیس‌جمهور علی‌رغم اختیارات فراوان پاسخ‌گویی خاصی به نهادی نداشته و حتی نمی‌توان آن را عزل نمود هرچند رئیس‌جمهور هم حق انحلال مجلس یا مجلسین را ندارد (قاضی، ۱۳۶۸، ۳۵۴).

در نظام ریاستی که در واقع نظام یک‌رئسی می‌باشد وزراء در مقابل مجلس پاسخگو نیستند و صرفاً باید پاسخگوی عملکرد خود در قبال رئیس‌جمهور باشند، هرچند انتصاب برخی از آنان با نظر موافق مجلس سنا نیز صورت می‌گیرد و شاید به دلیل همین اختیارات گسترده رئیس‌جمهوری است که به این نظام‌ها نظام ریاستی اطلاق گردیده است.

لذا می‌توان گفت در نظام ریاستی رئیس‌قوه مجریه بارزترین شکل متمرکز از اراده مردم برای نظارت و مدیریت بر قوه مجریه می‌باشد و در کنار آن قوه مقننه که تجلی اراده غیرمتمرکز مردم برای تعیین قوانین است (سیف زاده، ۱۳۸۷، ۱۴۳).

## الف) مزایای نظام ریاستی

### ۱. ثبات و تداوم قوه مجریه

با توجه به اینکه قوه مقننه حق عزل رئیس‌جمهور و وزراء را ندارد و حتی در مقابل مجلس پاسخگو نیستند فلذا ثبات دولت بیشتر می‌باشد.

### ۲. تفکیک قوا و استقلال قوا از یکدیگر

نظر به اینکه فلسفه نظام‌های دموکراتیک مهار قدرت توسط قدرت می‌باشد از این رو استقلال قوا به این امر کمک می‌نماید تا با استفاده از اهرم‌های قانونی خود به وظایف خویش عمل نمایند البته ناگفته نماند که بنا به دلایلی این قوا در عمل در کار یکدیگر دخالت می‌نمایند (پروین و اصلانی، ۱۳۹۰، ۱۷۹).

**۳. استقلال پارلمان در قانون گذاری**

در نظام‌های ریاستی بر خلاف نظام‌های پارلمانی که مجلس نقش کمرنگ و معتدلی در زمینه قانون گذاری دارد، بسیار تعیین کننده است (انصاری دزفولی، ۱۳۹۰، ۱۰۸) در واقع می‌توان ادعا کرد که در چنین نظام‌هایی، پارلمان به مفهوم واقعی نقشه ریل گذاری برای قوه مجریه را ایفا می‌نماید.

**۴. ثبات در تصمیم‌سازی‌ها و عدم بروز اختلاف در اجرای آن**

در نظام‌های ریاستی با توجه به یکی بودن رئیس کشور و رئیس دولت و به تبع آن اختیارات فراوان رئیس جمهور، حرف نهایی را اعلام نموده و مانع بروز اختلافات در جامعه می‌گردد. چنین شرایطی مخصوصاً در جوامعی که از احزاب شناسنامه‌دار و قوی برخوردار نباشند می‌تواند به عنوان مرجع تعیین کننده و داور نیز قلمداد شود (گرگی اندریانی، ۱۳۸۸، ۲۳۰).

بنابراین انتقادی که بر نظام‌های پارلمانی وارد است و در پراکندگی قدرت، تمرکز بر تصمیم گیری مختل شده و زمینه برای توتالیتاریسم فراهم می‌شود، در نظام‌های ریاستی عملاً منتفی می‌شود و حرکت‌های اجتماعی اتمیزه (ذره‌وار)، عملاً درون نظام شکل می‌گیرند.

**(ب) معایب نظام ریاستی****۱. احتمال تقابل مجریه و مقننه**

شاید مهمترین ایراد نظام ریاستی احتمال شکل‌گیری اکثریت متفاوت در قوه مجریه و مقننه می‌باشد با توجه به برگزاری انتخابات در فواصل زمانی مختلف ممکن است در مقطعی یک حزب قوه مجریه را در اختیار بگیرند اما در انتخابات پارلمانی، حزب رقیب اکثریت را به خود اختصاص دهد که این امر باعث تقابل دو قوه شده، تصمیم‌گیری را سخت و سبب هدر رفتن انرژی دو قوه خواهد شد.

**۲. انحصار گرایی و حذف کامل رقباء از صحنه**

در نظام‌های ریاستی به ویژه زمانی که یک حزب هر دو قوه مجریه و مقننه را در اختیار داشته باشد باعث عدم توجه به مطالبات و خواسته‌های احزاب رقیب شده و آنان به طور کلی از صحنه قانون-گذاری و اجرایی حذف خواهند شد حتی در قوه مقننه به دلیل در اقلیت بودن، توان کنترل قوه مجریه را از دست خواهند داد و در آن صورت حزب حاکم فعال کامل خواهد بود.

### ۳. خودمحوری و عدم پاسخگویی

نظام ریاستی نظامی یک رکنی است که در آن رئیس کشور و رئیس دولت یکی است فلذا اختیارات قائم به شخص رئیس جمهور است و از طرف دیگر رئیس جمهور در قبال اقدامات خود به مجلس پاسخگو نمی‌باشد و حتی مجلس حق برکناری وی را ندارد از این جهت چنین نظامی مستعد هر گونه خود رایی است هر چند قوه مجریه پاسخگوی مردم می‌باشد اما راهکار خاصی برای چنین پاسخگوی مشخص نشده است (گرچی اندریانی، ۱۳۸۸، ۲۳۰).

### نظام پارلمانی

نظام پارلمانی نظامی است که در آن تفکیک قوا به طور نسبی مطرح می‌باشد بدان مفهوم که هر چند قوا از یکدیگر مستقل می‌باشند اما در صورت لزوم با حفظ چارچوب‌های قانونی حق دخالت در کار همدیگر را خواهند داشت فلذا به چنین نظام‌هایی اصطلاحاً همکاری قوا نیز اطلاق می‌گردد. در چنین نظامی قدرت واقعی در اختیار نمایندگان و منتخبین ملت در مجلس می‌باشد و تمام امور اجرایی و تضمینی در اختیار حزب حاکم و یا پیروز در پارلمان است به ویژه اگر نظام پارلمانی مورد نظر نظام دو حزبی باشد. بدیهی است در نظام‌های پارلمانی چند حزبی عمدتاً به دلیل عدم کسب اکثریت لازم توسط حزب واحد احزاب مجبور به تشکیل دولت‌های ائتلافی می‌شوند و همین عامل باعث کاهش قدرت حزب واحد در پارلمان و دولت می‌گردد به طور کلی می‌توان گفت در نظام پارلمانی، نقش و قدرت پارلمان زیاد می‌باشد و از جایگاه برتری برخوردار است.

مهم‌ترین منبع حقوق، تصمیمات پارلمان است (کاتوزیان، ۱۳۸۶، ۳۷) و دولت بر پایه تصمیمات پارلمان و زیر نظارت سیاسی پارلمان قرار دارد و در صورت عدم رضایت پارلمان از عملکرد دولت و یا وزرا با رای عدم اعتماد آنان روبرو خواهند شد. همچنین با توجه به دو رکنی بودن نظام پارلمانی، اختیارات بین رئیس کشور و رئیس دولت تقسیم می‌گردد (قاضی، ۱۳۸۷، ۱۷۷) هر چند اختیارات رئیس دولت به مراتب بیشتر از رئیس کشور می‌باشد که توسط پارلمان مامور تشکیل کابینه می‌گردد البته پارلمان دبیر حزبی را که اکثریت را در پارلمان بدست آورده را گزینش می‌کند از این رو در نظام پارلمانی، احزاب جایگاه ویژه‌ای دارد و در واقع لازمه نظام پارلمانی در کشوری، وجود نظام احزابی، کارآمد و قدرتمند می‌باشد و بدون وجود احزاب، نظام پارلمانی معنا و مفهوم نخواهد داشت. البته باید اذعان نمود که در نظام پارلمانی مردم حق انتخاب دولت را به احزاب و پارلمان واگذار می‌کنند و در واقع مردم در انتخاب رئیس دولت نقشی ایفا نمی‌کنند و احزاب جایگزین مردم

## مزایای نظام پارلمانی

### ۱. پاسخگو بودن دولت در قبال پارلمان:

با توجه به اینکه دولت اعم از نخست‌وزیر و وزرا توسط پارلمان انتخاب و برای تداوم کار خود به رای اعتماد پارلمان نیازمند هستند لذا در مقابل پارلمان باید پاسخگو باشند در غیر اینصورت پارلمان حق عزل آنان خواهد داشت. (پروین و اصلانی، ۱۳۹۰، ۱۸۰)

### ۲. استفاده از احزاب و گروه‌های مختلف

در نظام پارلمانی، امکان استفاده از تمام ظرفیت‌ها و گروه‌ها بر خلاف نظام ریاستی وجود دارد. به ویژه اگر نظام پارلمانی چند حزبی باشد، مجبور به تشکیل دولت ائتلافی خواهد بود.

### ۳. کاهش اختلاف بین دولت و پارلمان

از آنجائی که دولت توسط حزب اکثریت پارلمان انتخاب می‌گردد، پارلمان و دولت از حزب واحد تشکیل خواهد شد و از این جهت همسویی دو قوه مجریه و مقننه در خصوص موضوعات مختلف باعث انسجام در امور می‌شود.

## معایب نظام پارلمانی

### ۱. جایگزینی احزاب به جای اراده ملت:

هر چند تقویت احزاب می‌تواند ایرادات ناشی از انتخاب عوام در دموکراسی را پوشش دهد اما قدرت یافتن بیشتر احزاب، سبب انتقال قدرت از اراده ملت به اراده احزاب می‌گردد و تصمیم گیرنده نهایی احزاب خواهند بود نه مردم.

### ۲. تشکیل دولت‌های بی ثبات

چنانکه توضیح داده شده در نظام پارلمانی، مجلس توان انحلال دولت را دارد به همین دلیل هر موقع پارلمان اراده نماید، دولت را ساقط خواهد نمود از طرف دیگر در نظام‌های پارلمانی چند حزبی نیز که دولت‌های ائتلافی تشکیل می‌یابد با ایجاد اختلاف در میان ائتلاف و خروج احزاب از ائتلاف

شاهد سقوط دولت و تشکیل ائتلاف و دولت جدید می‌شود و همین موضوع نیز به بی‌ثباتی دولت‌ها کمک خواهد نمود.

### نظام نیمه ریاستی نیمه پارلمانی

در نظام‌های نیمه ریاستی نیمه پارلمانی که مصداق بارز آن فرانسه می‌باشد نظام دو رکنی حاکم است و اختیارات بین رئیس‌جمهور که مستقیماً از طرف مردم انتخاب می‌شود و نخست‌وزیر که با رای پارلمان انتخاب می‌گردد تقسیم شده است. در این نظام رئیس‌جمهور چون از طرف مردم انتخاب شده در مقابل پارلمان پاسخگو نمی‌باشد اما نخست‌وزیر در قبال پارلمان پاسخگو است و پارلمان حق عزل نخست‌وزیر را دارد. به همین دلیل نخست‌وزیر باید پاسخگوی پارلمان (به خاطر رای اعتماد) باشد و هم پاسخگوی رئیس‌جمهور (به خاطر آرای ملت). در نظام نیمه ریاستی نیمه پارلمانی اختیارات رئیس‌جمهور گسترده است؛ سیاست‌گذاری‌های عمومی، فرماندهی کل نیروی مسلح، تعیین سیاست خارجی، انحلال پارلمان قانون‌گذاری مستقیم در مواقع حساس، استفاده از اختیارات فوق‌العاده در شرایط اضطراری و ...

در این نظام‌ها همسویی دولت و مجلس بستگی به انتخاب مردم دارد. اگر رئیس‌جمهور و پارلمان از یک حزب توسط مردم انتخاب شوند شبیه نظام ریاستی خواهند شد اما اگر مردم دولت و مجلس را از احزاب متفاوت انتخاب نمایند شبیه نظام پارلمانی می‌شوند. همچنین اگر هیچ حزبی نتواند اکثریت را به دست آورد مجبور به تشکیل دولت ائتلافی می‌شود.

### مزایای نظام نیمه ریاستی نیمه پارلمانی

#### ۱. انتخاب مستقیم حاکمان توسط مردم

در این نظام‌ها مردم به طور مستقیم رئیس‌جمهور و پارلمان را انتخاب می‌نمایند و رئیس‌جمهور دبیر حزبی را که در پارلمان اکثریت را بدست آورده باشد را مامور تشکیل دولت می‌نمایند.

#### ۲. استفاده از احزاب و گروه‌های مختلف

در نظام‌های نیمه ریاستی نیمه پارلمانی، با توجه به وجود احزاب مختلف، مردم حق انتخاب بین گزینه‌های مختلف را پیدا می‌کنند و در صورت عدم کسب اکثریت توسط حزب واحد، دولت‌های ائتلافی تشکیل و از توانمندی‌های بقیه احزاب نیز استفاده می‌شود.

## معایب نظام‌های نیمه ریاستی نیمه پارلمانی

### ۱. عدم پاسخگویی رئیس جمهور

اشکال عمده این نظام در آن است که علی‌رغم اختیارات گسترده رئیس جمهور، در مقابل نهاد خاص پاسخگو نمی‌باشد و دلیل آن انتخاب به وسیله مردم می‌باشد. به همین دلیل ممکن است عدم پاسخگویی رئیس جمهور به خود محوری و خود کامگی تبدیل شود.

### ۲. انحلال پارلمان

از جمله اختیارات رئیس جمهور در این نظام‌ها، انحلال پارلمان می‌باشد. این درحالیست که خود رئیس جمهور به خاطر انتخاب مستقیم مردم به هیچ نهادی پاسخگو نمی‌باشد چه رسد به عزل وی. در این نظام‌ها این امکان وجود دارد که در مواقعی که رئیس جمهور و پارلمان از یک حزب نباشد رئیس جمهور از اختیارات خود جهت انحلال، تضعیف و یا تحت فشار قرار دادن پارلمان سوء استفاده نماید.

## نظام سیاسی ایران

در تاریخ سیاسی معاصر پس از مواجهه جامعه ایران با دنیای غرب و مشاهده پیشرفت‌های صورت گرفته از آن، نخبگان ایرانی در پی یافتن علل عقب‌ماندگی ایران برآمدند. پس از تلاش‌های صورت گرفته بدین نتیجه رسیدند تا از دستاوردهای تمدن غرب برای پیشرفت ایران استفاده نمایند که از اولین نتایج این تلاش‌ها، شکل‌گیری نظام مشروطه و پایان نظام سلطنتی در دوره قاجار بود. در این چارچوب بود که تدوین قانون اساسی در ایران صورت گرفت که در واقع الگو برداری از نظام فرانسه بوده است. اشکال عمده در تدوین قانون اساسی مشروطه عدم توجه به باورها، اعتقادات و ایدئولوژی حاکم و شرایط متفاوت موجود در جامعه ایران بود. با گذشت چندین دهه از تجربه نظام مشروطه و سلطنتی در ایران و عدم پاسخگویی چنین نظامی به نیازهای جامعه ایران، انقلاب اسلامی شکل گرفت که نقطه متمایز در آن، وجه دینی و ارائه الگوی متفاوت از الگوهای رایج در نظام جهانی بود. از این رو در تدوین قانون اساسی نیز باید از ابزارها و نظام سیاسی خاص استفاده می‌شده است درحالی که از نظر تحلیل گران، هم از ابزارهای رایج در نظام‌های سیاسی غربی پیروی شده است و سعی گردیده تا چارچوب شرعی و دینی نیز به آن داده شود. «مختار هستیم چگونگی پیاده کردن تفکیک قوا و نوع رابطه قوه مجریه و پارلمان را با نرمش و طبق دلخواه انجام دهیم» (قاضی، ۱۳۷۵،



در نظام سیاسی رایج در غرب بنام دموکراسی و شیوه‌های اجرایی آن (ریاستی، پارلمانی، نیمه ریاستی نیمه پارلمانی) فلسفه حکومت جلوگیری از استبداد و تمرکز قدرت در فرد یا نهاد خاصی می‌باشد و از طریق پخش قدرت در صدد رسیدن به این مهم هستند. درحالی‌که در نظام دینی و مردم‌سالاری شکل گرفته بر اساس آن تفاوت‌های آشکاری در نحوه و فلسفه شکل‌گیری حکومت وجود دارد. در چنین نظامی برخلاف نظام‌های دموکراسی غربی خواست و اراده مردم شرط لازم بوده اما کافی نیست درحالی‌که در نظام غربی اساس، خواست و اراده مردم می‌باشد از طرف دیگر فلسفه حکومت دینی بر خلاف نظام‌های غربی، تنها رسیدن به رفاه مادی نمی‌باشد بلکه سعادت اخروی نیز تعیین‌کننده است. از طرف دیگر در نظام غربی، فلسفه دموکراسی جلوگیری از استبداد و خودرایی حاکمان می‌باشد درحالی‌که در نظام دینی و مردم‌سالاری برآمده از آن، امکان استبداد و خودرایی حاکمان امکان پذیر نمی‌باشد چرا که در آن صورت حاکم شرایط حاکمیت را از دست داده و خود به خود منعزل می‌گردد. با این اوصاف به نظر می‌رسد قانون اساسی ایران با اهداف عالی خود باید از ابزارها و متدهای خاص جهت نیل به نکات فوق استفاده می‌کند. وضعیت ساختاری حکومت و شکل قانون اساسی به وضعیت اجتماعی و هنجارهایی که دولت از آن نشأت می‌گیرد بستگی دارد (ادمون رباط، ۱۳۸۹، ۲۴).

در توزیع قدرت، عوامل مختلفی همچون اجتماع، سیاست، فرهنگ و ایدئولوژی اثرگذار است و مجموع این عوامل مشخص می‌کند که چه مقدار از قدرت به چه نهادی داده شود (ره پیک، ۱۳۷۷، ۶۲). با این وجود، قانون اساسی سال ۵۸ و اصلاحات صورت گرفته در سال ۶۸ بر مبنای نظام سیاسی نیمه ریاستی نیمه پارلمانی صورت گرفته است. در قانون اساسی ایران تفکیک قوا بطور نسبی مورد پذیرش قرار گرفته و استقلال قوای سه‌گانه زیر نظر ولایت امر و رهبری گنجانیده شده است. (اصل ۵۷) بنابراین طبق قانون اساسی ریاست کشور در ایران بر عهده شخص رهبر می‌باشد (مدنی، ۱۳۷۴، ۲۴۹). از اینرو اختیارات وسیع و گسترده‌ای را بخصوص در قانون اساسی ۶۸ در اصل ۱۱۰ به رهبری واگذار شده است. و رهبر به عنوان مقام حاکم بر کل امور و شئون کشور نظارت، اشراف و سلطه همه‌جانبه (تشریحی، تنفیذی و قضایی) دارد. (هاشمی، ۱۳۸۵، ۸) از این رو از موانع اساسی و جدی نظام پارلمانی در ایران، همین اختیارات رئیس کشور می‌باشد در نظام پارلمانی رئیس کشور تشریفات بوده و دارای اختیارات خاصی نمی‌باشد درحالی‌که در ایران رئیس کشور دارای اختیارات گسترده می‌باشد.

بعد از رهبری، ریاست اجرایی کشور با رئیس جمهوری است اما جایگاه ریاست دولت در ایران با نظام‌های پارلمانی و حتی نیمه ریاستی و نیمه پارلمانی متفاوت است. در ایران ریاست دولت با رای مستقیم مردم می‌باشد در حالی که در نظام‌های پارلمانی از طریق پارلمان و در نظام‌های نیمه ریاستی نیمه پارلمانی با رای مستقیم مردم است. در ایران ریاست دولت در مقابل پارلمان پاسخگو است و در صورت عدم پاسخگویی توسط پارلمان عزل می‌گردد در حالی که در نظام پارلمانی ریاست دولت در مقابل پارلمان پاسخگو بوده اما از طرف دیگر ریاست دولت نیز حق انحلال پارلمان را دارا می‌باشد که در ایران امکان انحلال پارلمان وجود ندارد. در نظام‌های نیمه ریاستی و نیمه پارلمانی رئیس دولت پاسخگو بوده و امکان عزل دولت توسط پارلمان وجود دارد. در دیگر موارد نیز تفاوت‌های جدی در خصوص اختیارات ریاست جمهوری با نظام‌های نیمه ریاستی و نیمه پارلمانی و حتی نظام‌های پارلمانی وجود دارد نظیر فرماندهی کل نیروی مسلح، اختیارات ویژه، حل اختلافات میان قوا، ارجاع مصوبات به همه‌پرسی و ... که در ایران عموماً جز اختیارات رهبری بوده در حالی که در نظام‌های غربی از اختیارات رئیس جمهور و یا نخست وزیر می‌باشد. البته باید توجه داشت که در ایران در کنار اختیارات رهبری، بحث پاسخگویی نیز مطرح بوده است و متناسب با وظایف و مسئولیت‌های رهبری پاسخگویی نیز در قانون اساسی گنجانده شده است در حالی که در دیگر نظام‌های پارلمانی و نیمه ریاستی و نیمه پارلمانی رئیس کشور موظف به پاسخگویی نیستند.

#### مزایای نظام سیاسی ایران

۱. تفکیک قوا و استقلال آنان از یکدیگر
۲. عدم امکان انحلال پارلمان
۳. انتخاب حاکمان توسط مردم عموماً به طور مستقیم
۴. پاسخگویی رئیس کشور و رئیس دولت
۵. پذیرش توأمان سعادت دنیوی و اخروی

#### معایب نظام سیاسی ایران

۱. فقدان بینش و فرهنگ سیاسی لازم
۲. فقدان نگاه کلان و ملی در گزینش و انتخاب
۳. فقدان نظام حزبی کارآمد، قوی و موثر

۴. عدم استفاده از گروه‌ها و احزاب رقیب

۵. عدم هماهنگی قوه مجریه و مقننه (زمانی که هر کدام از قوا از یک جریان سیاسی توسط مردم انتخاب شده باشند)

### موانع و راهکارها

باتوجه به آنچه گفته شد سوالات متعددی در خصوص موانع تحقق نظام پارلمانی در ایران قابل طرح می‌باشد از جمله اینکه آیا در شرایط فعلی امکان اصلاح ساختارها برای رسیدن به نظام پارلمانی فراهم می‌باشد؟ آیا هزینه‌های تحقق نظام پارلمانی در شرایط فعلی به مصلحت نظام سیاسی و کشور می‌باشد؟ و نهایتاً اینکه آیا تنها راه کارآمد ساختن نظام سیاسی کشور، تغییر نظام ایران به نظام پارلمانی است و یا اینکه می‌توان از راهکارهای دیگر غیر از تغییر نظام سیاسی به پارلمانی می‌توان بهره گرفت؟

در همین راستا برخی بر این باورند که نظام پارلمانی برای نظام سیاسی ایران مفید و موثر بوده و سبب هماهنگی بیشتر در ساختار نظام سیاسی شده و توازن قدرت را مطلوب‌تر خواهد نمود و از اینرو برای برون رفت از مشکلات فعلی تغییر ساختار و رفتن به سمت و سوی نظام پارلمانی را پیشنهاد می‌دهند. اما به نظر می‌رسد چنین دیدگاهی حداقل در شرایط فعلی که خیلی از لوازم نظام پارلمانی در ایران فراهم نمی‌باشد ایجاد چنین تغییراتی لاقابل در کوتاه مدت و تا فراهم شدن بسترها و لوازم چنین نظامی به مصلحت نمی‌باشد و برای پر کردن ضعف‌ها و خلاءهای موجود از طریق اصلاح برخی رفتارها، رویه‌ها و نگرش‌ها می‌توان بهره گرفت. ثانیاً به تفاوت‌های ماهوی نظام سیاسی ایران با نظام‌های غربی نیز باید توجه نمود و بر اساس آن راهکارهای عملی را ارائه نمود. از جمله اقدامات اساسی نیز باید در ایران صورت پذیرد تا شرایط انجام چنین کاری فراهم شود به موازات اقدامات کوتاه مدت،

۱. با توجه به سابقه منفی و بد بینانه از فعالیت احزاب در ایران، باید افکار و فرهنگ جامعه را آماده پذیرش نظام حزبی در ایران نمود و تا زمانیکه چنین کاری صورت نپذیرد امکان حرکت به سمت نظام پارلمانی فراهم نخواهد شد.

در نبود نگاه خوش بینانه به فعالیت احزاب در ایران و از سوی دیگر به علت کم‌رنگ بودن فرهنگ حزب، متاهل و تسامح در بین نخبگان و اقشار سیاسی و برنامه محور نبودن احزاب در ایران، ظرفیت کافی برای تشکیل احزاب واقعی در برهه کنونی وجود ندارد (بخشعلی، ۱۳۸۱، ۲۰-۵) از این

رو باید فرهنگ سیاسی لازم برای احزاب و کار و فعالیت حزبی در ایران صورت بگیرد.

۲. انجام چنین کاری نیازمند تغییرات ساختاری است که باید قبل از تغییر به نظام پارلمانی چاره‌ای اندیشیده شود از جمله در قانون اساسی انتخاب رئیس جمهور با رای مخفی و مستقیم مردم قید شده است درحالی که در نظام پارلمانی انتخاب رئیس دولت از طریق آرای مستقیم مردم نمی‌باشد از طرف دیگر رابطه رئیس کشور با رئیس دولت باید مورد توجه و بازبینی قرار گیرد چرا که در نظام پارلمانی رئیس کشور بیشتر نقش تشریفاتی داشته درحالی که در ایران همانطوری که گفته شده از اختیارات گسترده‌ای برخوردار است.

باتوجه به آنچه گفته شد به نظر می‌رسد در شرایط فعلی و تا زمانی که موانع گفته شده نظیر مشکلات ساختاری، فرهنگ و بینش سیاسی لازم، وجود احزاب قوی، کارآمد و موثر فراهم نشده باشد تغییر ساختار هزینه‌های فراوان حاکمیتی و مدیریتی را در پی خواهد داشت و به جای آن می‌توان از طریق تغییر رفتار مدیران، استفاده از ظرفیت‌های قانونی کشور، تقویت فرهنگ سیاسی، افزایش روحیه تحمل عقاید مخالف، حرکت به سمت نظام حزبی، تغییر قوانین انتخابات (تاکید بر حاکمیت ملی به جای حاکمیت محلی و قومی و یک مرحله نمودن آن) تقویت روحیه تساهل و تسامح و پذیرش نقد سازنده و در نهایت عمل به قوانین را در سرلوحه اقدامات نظام سیاسی قرار داد.

### نتیجه‌گیری

تمام نظام‌های سیاسی (ریاستی، پارلمانی، نیمه ریاستی نیمه پارلمانی) ریشه در حق حاکمیت ملی دارند. و تنها تفاوت این نظام‌ها صرفاً در روش‌ها و ابزارهای اعمال قدرت توسط مردم می‌باشد. هدف این مقاله، امکان سنجی تحقق نظام پارلمانی در جمهوری اسلامی ایران می‌باشد. یافته‌های تحقیق نشانگر آن است که حداقل در شرایط فعلی و تا زمان مرتفع نشدن موانع ساختاری، وجود احزاب قوی، کارآمد و تقویت فرهنگ و بینش سیاسی لازم، تغییر ساختار هزینه‌های فراوان حاکمیتی و مدیریتی را در پی خواهد داشت. در این تحقیق بر خلاف برخی پژوهش‌های صورت گرفته به جای تغییر ساختاری، تغییر رفتار مدیران، استفاده از ظرفیت‌های قانونی کشور، تقویت فرهنگ سیاسی، افزایش روحیه تحمل عقاید دیگران و مخالفان، حرکت به سمت نظام حزبی، تغییر قوانین انتخابات، تقویت روحیه تساهل و تسامح، پذیرش نقد سازنده و عمل به قوانین مورد تاکید می‌باشد.

## منابع

۱. هاشمی، سید محمد (۱۳۸۵)، *حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران*، جلد دوم، تهران، نشر میزان
۲. بخشعلی، ولی (۱۳۸۱)، *احزاب سیاسی از دیدگاه امام خمینی*، پایان نامه ارشد حقوق عمومی دانشگاه تهران، *دانشکده حقوق و علوم سیاسی*، استاد راهنما آیت الله عمید زنجانی
۳. کاتوزیان، ناصر (۱۳۸۶)، *مبانی حقوق عمومی*، جلد ۳، تهران، نشر میزان
۴. سیف زاده، حسین (۱۳۸۷)، *نقش قوه مقننه در سیاست خارجی تنوع رویکردها*، فصلنامه سیاست، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دوره ۳۸، شماره ۵
۵. قاسم زاده (۱۳۳۴-۱۳۴۴)، *حقوق اساسی*، تهران، انتشارات کتابخانه دانشگاه
۶. مدنی، جلال الدین (۱۳۷۴)، *حقوق اساسی و نهادهای سیاسی جمهوری اسلامی ایران*، تهران، نشر همراه
۷. ره پیک، سیامک (۱۳۷۷)، *مبانی و اختیارات رهبری در قانون اساسی و مقایسه آن با اختیارات رئیس جمهوری در برخی از نظام‌های ریاستی*، مجله اندیشه‌های حقوق، شماره ۱۲
۸. رباط، ادمون (۱۳۸۹)، *مقدمه حقوق اساسی مبانی و اساس اجتماعی وضعیت‌های قانونی به دستور گرای*، مترجم خیرالله پروین، تهران، نشر جنگل
۹. قاضی، ابوالفضل (۱۳۷۵)، *حقوق اساسی و نهادهای اساسی*، جلد اول، تهران، انتشارات دانشگاه تهران
۱۰. انصاری دزفولی، مرتضی (۱۳۹۰)، *نقش مجلس در دو نظام ریاستی و پارلمانی*، مجله سیاسی اقتصادی، شماره ۲۸۵
۱۱. پروین، خیرالله و اسلامی، فیروز (۱۳۹۰)، *اصول و مبانی حقوق اساسی*، تهران، نشر دانشگاهی تهران



